

شنیدن اجباری، گوش ندادن اختیاری

ادلمه یادداشت از صفحه ۱

چهاره این شنیدن های اجباری، گوش ندادن اختیاری است. گرچه فرایند چنین رویکردی، اندوه، اضطراب، افسردگی و درماندگی در مدیریت زندگی است.

راست این است که من به سهم ناچیز خودم حق را به پرستارانی می دهم که به دلیل اختلال در تعادل و توازن مناسبات حقوقی و اداری و اجتماعی از شنیدن صرف نظر کرده بودند و لابد از دیدن و خواندن هم ناچار محروم بوده اند. پس تن به کوچ داده اند، زیرا انسان زنده نیازمند زندگی است.

دریافت ماهانه ۴ تا هزار دلار یعنی دست کم ۱۰۰ میلیون تومان در ماه و نیز دریافت روزانه ۲۰۰ دلار، مشروط به کار در بخش کرونا، حاکمی از کار در یک زیست استاندارد است. آیا اکنون آنان به این نتیجه رسیده اند که آشنایان حق شناس، بهتر از دوستان

و مسئولان چه ساه نامهربان هستند؟ نکته: خود را دلداری می دهم و امیدوارم که پرستاران مهاجر گفته های سردرگم و مستأصل وزیر بهداشت در چند روز گذشته و نیز استفاده مظلومانه جمعی از مسئولان دلسوز از سهمیه برادران یا کبان در خوزستان را نشنوند و نخوانند تا حالشان در غربت مثل پاییز پژمرده نشود.

پرشنش معمولی: آیا این نوشته، روایت تلخی است چون از دل تلخ من بیرون آمده است؟ اما باور کنید امید به بهبود وضع موجود بهداشت و درمان، آخرین روزه امیدواری من است، چنان که امیدوارم روزی همه نخبگان کوچ کرده ایران از نوع پزشک تا مهندس، هنرمند، پرستار و کارگر ماهر و متخصص و کارآفرین و سرمایه گذار، جوشکار و کاشی کار و... به میهن عزیز بازگردند، چون دلمان به اندازه همه عالم برایشان تنگ شده است.

کیوسک

نیویورک تایمز

در یکی از مطالب صفحه نخست این روزنامه آمریکایی آمده است: «باید نظر ژنرال های خود را درباره خروج نیروها از افغانستان رد کرد». نیویورک تایمز در این مطلب شرح می دهد که اگرچه رئیس جمهورهای دهه های اخیر آمریکا دیدگاه های متفاوتی درباره پیکارهای فرامزی داشته اند، همه آن ها تاحدودی نظر پنتاگون برای ادامه مبارزه با تروریسم در افغانستان و شکست طالبان را رد کرده اند. این بار نیز لوید آستین، وزیر دفاع، و ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، موفق نشدند نظر بایدن برای خروج تمامی نیروها تا تاریخ اسپتامبر سال جاری را تغییر دهند.

آبزرور

دربی انتشار اخباری درباره لابیگری دیوید کامرون، نخست وزیر پیشین انگلستان از حزب محافظه کار، برای «لکس گرینسبیل»، تاجر و سرمایه گذار استرالیایی، بسیاری به بوریس جانسون هشدار داده اند که اگر در این زمینه ها شفاف سازی نکند، اعتماد رای دهندگان «ردوال» مجموعه ای از حوزه های انتخاباتی شمال انگلیس که با رأی به حزب کارگر کشور، جانسون را به نخست وزیری رسانده بودند، راز دست می دهد. این روزنامه بریتانیایی در تیتیریک خود نوشته است: «هشدار به جانسون؛ همین حالا برای بحران فسادها کاری انجام بده تا رأی های ردوال را از دست ندهی.»

ساندی تلگراف

روزنامه انگلیسی تلگراف، همچون بسیاری از روزنامه های معتبر این کشور در صفحه نخست خود، گزارشی کامل از مراسم خاک سپاری شاهزاده فیلیپ، همسر ملکه انگلستان، را پوشش داده است. این روزنامه در تیتیر اصلی خویش نوشته است: «ملکه در تنهایی، برای آخرین بار با شاهزاده فیلیپ وداع می کند.» بسیاری از روزنامه های بریتانیایی، مراسم شاهزاده فیلیپ را «ساده و شرافتمندانه» توصیف کرده اند و از روابط میان این زوج سلطنتی نوشته اند.

پرشن

آیامی شود جمله را با او، شروع کرد؟

پاسخ

شروع جمله با حرف «و»

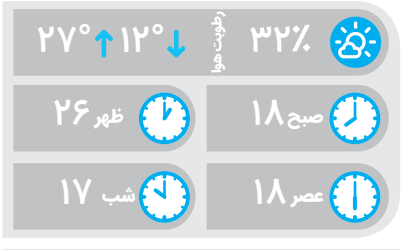
استاد علی صلح جو در کتاب از شنیدن نکته های ویرایش می نویسد: برخی در دست بودن این کار تردید دارند، اما گاه در متن پیش می آید و آرایش جمله ها طوری است که جمله ای را، پس از نقطه پایان جمله قبل، باید با «و» آغاز کرد. در چنین مواردی، وقتی «و» را حذف می کنیم، احساس می کنیم جمله چیزی کم دارد. این کلمه نه فقط در آغاز جمله بلکه حتی در آغاز مطلب ظاهر می شود و ما برای آن سند تاریخی داریم. بسیاری از حکایت های کهن با این عبارت آغاز می شد: و اما ریا بان اخبار و.

#زین قند پارسی

حدیث روز

ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد.

امام علی^ع



اذان ظهر ۱۳:۳۷ نیمه شب شرعی ۲۳:۴۵:۲۵
غروب آفتاب ۱۹:۰۸:۴۷ اذان صبح فردا ۰۴:۲۷:۰۲
اذان مغرب ۱۹:۳۷:۴۴ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۱:۱۰

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR
۳۰۰۰
۱۴۰۰
۲۴ صفحه ۸۱ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۸ صفحه شهر از مجله + ۴ صفحه شهر یانو
شماره ۱۳۳۶۴ | ۱۰۰۰ تومان

میتاقتانامه اخلاق حرفه ای

پرستاران را نگه دارید

محمدناصر حق خواه

یادداشت

حالا دیگر یک سال و دو ماه است که می توان کادر درمانی بیمارستان های ایران را جزو مهم ترین افراد این کشور دانست. فرقی هم بین پزشک و پرستار و نیروهای خدماتی بیمارستان ها و مراکز درمانی نیست. هرکس که به نوعی با بیماران کرونایی سروکار مستقیم دارد و با علم به بیمار بودن یک فرد و احتمال ابتلای خودش، در نزدیک ترین حالت با او قرار می گیرد، شایسته ستایش است.

هرچند پیش از این هم وظیفه پیشگیری در درمان برعهده این قشر جامعه بوده و همیشه به ویژه به پرستاران و نیروهای خدماتی بیمارستان ها، آن قدر که باید توجه نشده است، اما در یک سال گذشته با انتشار همه و بیروس عجیب و غریب کرونا، همه جامعه اهمیت حضور این افراد را متوجه شده اند. این اهمیت و در کانون توجه ها بودن، باعث شده است که فضای رسانه ای و مجازی کشور ما هم در طول این یک سال با اخبار تلخ و شیرین و پوشش های مختلف کادر درمان همراه شود. روزهای اول همه گیری بود که چالش حرکات موزون و فیلم گرفتن و پخش کردن آن در فضای مجازی، به سوژه اصلی رسانه های کشور و یک پوشش همگانی تبدیل شد که بسیاری از سلبریتی ها هم از آن حمایت کردند. این حرکت خودجوش و وطنی کادر درمان ایران، به سرعت با تابلو جهانی پیدا کرد و علاوه بر بازنشر ویدئوهای پرستاران ایرانی در صفحات پرطرفدار

خارجی، این پوشش به کادر درمان کشورهای دیگر هم نفوذ کرد. اما همه چیز این قدر شیرین و بامزه نبود، عکس هایی از صورت کیبود متورم پرستاران که بر اثر استفاده طولانی مدت از ماسک به این شکل درآمده بودند در صفحات آنان گذاشته می شد یا تصاویر مظلومانه ای از استراحت اعضای کادر درمان در گوشه ای از بیمارستان ها و با همان لباس های مخصوص روی زمین و البته تصاویر دیدار اعضای کادر درمان با فرزندان خردسالشان که روزها بود آنان را ندیده بودند، مجموعه ای از تصاویر بیشتر کمان در روزهای کرونایی در سال گذشته بود که قلب هر بیننده ای را رقیق می کرد. البته ویدئوها و عکس های به شدت دلخراش دیگری از کادر درمان که تبدیل به شوکی بزرگ در فضای مجازی شدند، هم در سال گذشته دیده و شنیده شد، مثلاً ماجرای بانوی پرستاری که باردار بود و با نهایت فداکاری و از خودگذشتگی در محل کارش، حاضر شده بود و متأسفانه پس از ابتلا به کرونا در این راه به شهادت رسید، شاید هنوز هم یکی از اخبار تلخ سال گذشته باشد. ویدئوی وداع همکاران و اشک های همسر این پرستار با دیدن پیکر او را هنوز هم می توان در صفحات مختلف مجازی دید، اما قصدم از مرور این خاطرات تلخ و گاهی شیرین کادر درمان در یک سال گذشته، نه قدردانی از عمل بزرگ آنان که ابراز شگفتی از یک اتفاق تلخ بود، مهاجرت پرستاران از کشور، اتفاقی که آرمین زارعیان، رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری تهران،



وقتی انصاف از مرام نامه زندگی حذف می شود

غلامرضایی اسدی

انصاف اگر ترازو داری کند، همه چیز درست می شود. نادرستی هایی که در رفتار خود و جامعه می بینیم، زاییده فقر انصاف است. مولود این است که گاه برخی از مایه تمامی انصاف را از مرام نامه زندگی خود حذف می کنیم. مکتب خودخواهی را هم می گذاریم پشت ترازو. معلوم است که چه خواهد شد و چگونه محاسبه خواهد کرد. با این حساب باز هم معلوم است که جامعه چه خواهد کشید از دست وزیان ما. قصد نقد رفتار و گفتار فرد یا گروهی خاص را ندارم، چون متأسفانه بسیاری از گرفتاران بیماری انسانیت سوز هستیم. هر جا که قرار می گیریم، یادمان می رود که باید کار مردم را درست و دقیق و به موقع انجام دهیم. فکر می کنیم، ارباب رجوع، فقط برای زمانی تعریف شده است که خود ما به اداره ای مراجعه کنیم. انگار فقط آن وقت است که کارمند باید تمام قد به خدمت برخیزد و لحظه ای هم از پناهنشیند اما وقتی جاها عوض می شود و ما پشت میز می نشینیم و دیگری مراجعه می کند، قصه امروز برعکس می شود. ارباب رجوع می شود و صدایش هم اگر از استاندار رد تعریف شده ما بالاتر برود، او را به مواد قانونی، اهانت به کارمند دولت در حین خدمت، حواله می دهیم و به مجازات های تعیین شده در آن تهدید می کنیم. این گونه، کارها بسامان نمی شود. خود ما هم بیشتر گرفتار خواهیم شد و کارمان به گره هایی دچار خواهد شد که دندان راهم بیاری گوشودنش نخواهد بود. اگر می خواهیم کارها سامان یابد و همه به آرامش برسیم، باید رفتارها را به ترازوی انصاف، نظم و نسق دهیم. این گونه است که کسی کار بر زمین مانده نخواهد داشت و ناراضی در منحنی کاهش، قرار خواهد گرفت. بدانیم هر جا که هستیم و هر جا بجا می داریم، در برابر مردم باید به شان مستخدمی و خدمتگزار می توجه کنیم. این شأن در محضر الهی بی گمان جایگاهی دارد که ریاست او داد عاها ای دنیا بی در برابرش هیچ است. هیچ!

- روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهید نیبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱ - ۵
- نمابر: ۳۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



در حاشیه مهاجرت رو به افزایش پرستاران کشور!

محمدرضا میرشاهلو

تاریخنگار

اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا



میرزا حسین خان مشیرالدوله، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار، در نخستین سال صادراتش کوشید برای آشنایی شاه با مظاهر تمدن اروپا و ایجاد بستر مناسب به منظور اجرای برنامه های مدنظر خود در ایران، زمینه های سفر شاه قاجار به اروپا را فراهم کند. پس از انجام مذاکرات با رؤسای کشورهای اروپایی، امپراتور اتریش و دولت های آلمان، فرانسه، بلژیک، سوئیس و ایتالیا آمادگی خود را برای پذیرایی از شاه ایران اعلام کردند تا اینکه در این روز، موبک شاهانه از تهران به طرف گیلان حرکت کرد و به سمت مسکو پایتخت روسیه به راه افتاد. این سفر چندین ماهه، گرچه به امید مشاهده پیشرفت های دولت های اروپایی و رغبت یافتن به اجرای اصول تمدن و نظام جدید زندگی در ایران بود. در عمل نتیجه خوبی نداشت. زیرا شاه را آمیوس کرد و او فاصله میان توسعه یافتگی شرق و غرب را آن قدر زیاد یافت که نه تنها امید به رسیدن به پای دولت های بزرگ را از او سلب کرد، بلکه وی را آماده جلوگیری از تأسیس به اروپا بیان و حتی مسافرت به اروپا کرد. در این میان، اصرار و تهدید روس ها و نفوذ درباریان بی اطلاع، سوچو و تطمیع شده و ظاهر سازی انگلیسی ها که به لباس دوستی در پی بسط نفوذ خود و تضعیف ایران بودند و سیاست دولت های بزرگ که فقط نفع خود را می خواستند، از عوامل تأیید نظر شاه بود. با این همه دو سفر دیگر شاه نیز برای خوشگذرانی بودند نه یافتن راه ترقی. همچنین هزینه های سرسام آور و کمر شکن این مسافرت ها ی بیپوده، باعث عقب ماندگی هرچه بیشتر مملکت، فقر سراسری و وابستگی بیشتر به اجانب می شد. در این میان، دربار قاجار برای تهیه مخارج این خوشگذرانی ها، مجبور بود به سوی بیگانگان دست نیاز دراز کند و امتیازهای وطن فروشانه ای را به آنان واگذار کند که بیش از پیش، اقتصاد ایران را در هم می کوبید، امتیازاتی که برخی از آن ها، تا بیش از ۶۰ سال ادامه داشت.

مجله عصر مژگن هجده شصت



برای خواندن مجله عصر شهرآرا کدرا اسکن کنید